

آمیولاتس

نامه فدایت شوم احمدی‌نژاد منتشر شد



پوریا عالمی

● دیروز نامه فدایت شوم محمود احمدی‌نژاد منتشر شد که در آن قربان‌صدقه عزت‌الله ضرغامی رفته و از او خیلی تشکر کرده. اما چرا؟ اول نامه فدایت شوم این دو عزیز را با هم بخوانیم، بعد نامه رسمی عالمی به احمدی‌نژاد را می‌خوانیم، در آخر یک سوال علمی مطرح می‌کنیم. **نامه فدایت شوم محمود به عزت دوست و برادر ارجمند؛ جناب‌آقای مهندس ضرغامی** سلام علیکم، به سهم خود از طرف همه همکاران از خدمات ارزشمند جنابعالی طی حدود ۱۰ سال تلاش بی‌وقفه تحت شرایط ویژه مدیریت سازمان صداوسیما و همکاری‌های سازنده با خدمتگزاران ملت در دولت‌های نهم و دهم صمیمانه‌سپاسگزاری می‌نمایم.

نامه فدایت شوم عالمی به محمود دوست و برادر ارجمند دکتر محمود احمدی‌نژاد سلام علیکم، به سهم خود از طرف همه هموطنان، از خدمات ارزشمند جنابعالی طی حدود ۸سال تلاش بی‌وقفه برای ایجاد شرایط سخت‌سپاسگزاری می‌نمایم. ما تا الان مانده بودیم چطوری بگوییم این مهم دست‌تنها انجام‌ناشدنی بود و حتما چندنفر دانشمند مثل دانشمند بزرگوار، رحیم آقا مشایخ، به شما کمک کرده‌اند.

امروز که دیدم شما سپاسگزار ضرغامی هستی خیالم راحت شد و گفتم من هم سیاس خود را صمیمانه در این نامه بگذارم.

سوال علمی

اگر عمر دولت آقای احمدی‌نژاد هشت‌سال بوده باشد، چطوری ضرغامی ۱۰سال همکاری سازنده با دولت احمدی‌نژادی کرده؟ الف- احمدی‌نژاد از دوسال جلوتر حالت ریاست‌جمهوری گرفته بود و امر به وی مشتبه شده بود.

ب- احمدی‌نژاد هنوز هم فکر می‌کند رییس دولت است و ضرغامی دارد باهانش همکاری می‌کند

شترت روزنامه

چهارشنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۳ = ۱۸ محرم ۱۴۳۶ = ۱۲ نوامبر ۲۰۱۴ سال دوازدهم = شماره ۲۱۶۰ = ۱۲ صفحه،۱۶صفحه ضمیمه اذان ظهرتهران ۱۱:۴۸ = اذان مغرب ۱۷:۱۹ = اذان صبح فردا ۵:۱۱ = طلوع آفتاب ۶:۳۷

روزنامه‌فردا

www.sharghdaily.ir

فایروزه مظفری firoozeh.mozaffari@gmail.com



کارتون خواب



سلام به فردا

چند کلمه به بهانه برگزاری نمایشگاه مطبوعات

فرصت مغتنم

است، این فرصتی مغتنم است برای تشویق دوباره مردم- به‌ویژه قشر آکادمیک- به خواندن و مطلع‌شدن از فضای فرهنگی موجود. در واقع؛ نمایشگاه مطبوعات می‌تواند نیاز به مطالعه مطبوعات را دوباره به مردم یادآوری کند؛ اینکه مثلاً فردی که تا مقطع فوق‌لیسانس یا دکترا تحصیل کرده، اصلا مجله و روزنامه‌ای را ورق نزنند و با خبر نباشد که در رسانه‌های مکتوب چه می‌گذرد، هیچ خوب نیست و حتی ناامیدکننده است، چراکه مطالعه مطبوعات لازمه ایجاد فضایی دموکراتیک هستند.



هوشنگ ماهریبان

سبب ترویج فرهنگ می‌شود؛ چراکه مردم را به خواندن و دانستن تشویق می‌کند. در دوره اول ریاست‌جمهوری آقای خاتمی، به عینه دیده‌بودم که گاهی سر صبح، یک خاتمی به دکه می‌آمد و یک‌جا، پنج، شش‌عنوان روزنامه می‌خرید؛ در حالی که طی هشت‌سال دولت گذشته، رکودی را در زمینه فرهنگ مطالعه شاهد بودیم که بی‌سابقه بود. انگار اصلا کسی دیگر روزنامه نمی‌خواند و کتابفروشی‌ها اغلب خلوت بودند. حالا که اولین نمایشگاه مطبوعات در دوره دولت‌یازدهم، این‌روزها در مصلاي تهران در حال برگزاری



بابک زمانی متخصص مغز و اعصاب

زمانی که سیبل یکی از مهم‌ترین علایم مردانگی و زمختی بود؛ زمانی که کمتر مردی را می‌شد بدون سیبل تصور کرد. اما این‌بار سیبل معنای متفاوت مسالمت‌آمیز و انسان‌دوستانه دارد. سیبل، روزی با کناره‌های تیز و روبه‌بالا نماد جنگاوری قیصر آلمان و تزار روس بود، همان سیبل‌هایی که با نگاه به بالا خاں و خوانین آن‌هم از نوع ستمگرش را به یاد می‌آورد، سیبل‌هایی که با شارپ بلند ریشه‌ای عمیق در تصورات چپ داشت؛ ریشه‌ای که از یک‌سو تا ماکسیم گورکی و از سوی تا خود دایی‌جان یوسف مالیه‌خولیایی امتداد پیدا می‌کرد؛ ریشه منحوسی که خواسته یا ناخواسته خاستگاه بسیاری از سیبل‌ها بوده و هست. حال، جهان باوجود چنین خاطرات و تصورات خشونت‌آمیز و زمختی از سیبل، آن را به‌عنوان نمادی از دوستی و انسانیت برمی‌گزیند؛ بشر با تمام نملادهای مردانه و زنانه‌اش تبدیل به گونه‌ای با دو جنس متفاوت، اما کلاا متساوی می‌شود. تنها سیبل و مرد نیست که دیگر نشانه سختی و خشونت به‌شمار نمی‌رود، زن هم با تمام نملادهايش دیگر سمبل ضعف و انفعال نیست؛

محرم‌گردی-۱۳

پره‌های زرد تردید



احمد مسجدجامعی

نصب دو پر تعبیه شده بود. چند پر قرمز‌رنگ نیز درون قفسه قرار داشت که به بالای آن نصب می‌شد. در تعزیه پره‌ای قرمز رنگ نماد دیگری از لشکر اشقیا و پره‌ای سبز رنگ نماد یاران امام است. پره‌ای زرد نیز نشانه تردید است. این دو پر را خسروشمر به‌تازگی به قیمت صد هزار تومان خریداری کرده بود که رقم بسیار بالایی بود. البته این پر‌ها از پره‌ای درجه‌یک و جنسشان از پر شترمرغ است. به‌جز این‌ها پره‌ای دیگری هم از جنس درجه‌دو وجود داشت و قیمت آنها بسیار ارزان‌تر بود. از دیگر وسایل دیگر داخل کمد، یک چوپدستی بود با نواری سیاهرنگ به‌دور آن که چهار حلقه یا فواصل نسبتا منظم دور آن قرار داشت؛ این حلقه‌ها از رنگین نارنجی‌رنگ ساخته شده بودند. روی چوپدستی هم گوی قرمز‌رنگی قرار داشت که به آن رشته‌هایی از نخ قرمز رنگ متصل بود. این چوپدستی نیز مخصوص یزید بود و در مجلس شام آن را به دست می‌گرفت. علاوه‌بر این چوپدستی، خسروشمر چوب‌دستی دیگری به رنگ قهوه‌ای سوخته را به ما نشان داد که کمی بلندتر بود و بر سر آن برجستگی گوی‌مانندی قرار داشت. او توضیح داد که این چوپدستی، جدید و از جنس خیزران است و می‌خواهند در بخش‌هایی از تعزیه اسمال از آن استفاده کنند.



زند چاه نداشته‌اند و حالا که اداره آب‌وفاضلاب شهر، اقدام به حفر چاه عمیق کرده، حتی قنات‌های قدیمی بالش آباد نیز خشک شده است. تایید حرف «اسحاق ریاستی» را می‌شود در مدرسه روستا سراغ گرفت؛ مدرسه‌ای که روزی از هلهله بچه‌ها پر بود، امروز فقط دو شاگرد دارد که بعد نیست آن دو هم به مرور مجبور شوند به مدرسه‌ای در روستای مجاور بروند.

سعید برآبادی: هر شهر کویری، ییلاقی دارد برای نفس‌تازه‌کردن و فرار از بیداد گرمای تابستان‌های ییلاقی در جوار شهر با ترکیبی از درخت‌های سربفلک کشیده و کوهپایه‌هایی که در دلشان پر از چشمه‌های جوشان است. درست مثل سبزوار که روستایی به‌نام «بالش آباد» دارد به‌عنوان یکی از تفرجگاه‌های خنکی که گردبر کویری شهر را به کوه‌های خنک و منابع آبی «جوین» و «کراب» متصل می‌کند. اما در روزهای بارش باران که هر کسی پیش‌بینی زمستانی خوش‌یارش را دارد، روستای بالش آباد در محاق بی‌آبی است و این اتفاق، کشاورزی روستا را تهدید می‌کند و حیات مردم‌اش را به ممات کشانده. یکی از دهقان‌های بالش آباد می‌گوید که در بالادست رودخانه این روستا آب بسته شده تا حجم آب به تصفیه‌خانه رفته و برای آشامیدن شهر مصرف شود. این در حالی است که حتی ساکنان این روستا در نیم‌قرن اخیر حق

«زمان سخت» کتابی مربعی‌شکل است در ۲۲۰صفحه که تصویرگر روزهای جنگ در بوسنی است. ره‌توشه سفر محسن راستانی، عکاس مستندنگار ایرانی که بسیاری از عکس‌های آشنای دوده‌ه اخیر از لنز دوربین اوست، راستانی را از عکاسان نسل اول بعد از انقلاب می‌شناسند. سمت‌وسوی نگاه اجتماعی او به جامعه ایران تا به‌حال مجموعه‌های فراوانی را به خاطرات تصویری ایرانی‌ها افزوده است. داستان کتاب «زمان سخت» اگرچه متفاوت

با دیگر پروژه‌های ایرانی این عکاس است اما نگاه او به جنگ بوسنی و هرز گوین، نگاهی معطوف به عاطفه ایرانی‌ها در قبال کشتار مردم بی‌پناه در قلب اروپاست. «زمان سخت» که



توسط نشر انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس به چاپ رسیده، حاصل کنشکاش دو ساله این عکاس در فاصله سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ است که اکنون بعد از گذشت ۲۰سال به‌تازگی روانه بازار شده. مه‌ران کشانی، فیلم‌نامه‌نویس سینمای ایران بر آن مقدمه نوشته و اسدالله امرابی، کار ترجمه متن‌ها را بر عهده داشته‌است. راستانی فارغ‌التحصیل اولین دوره رشته عکاسی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است که از مشهورترین مجموعه

عکس‌هایش می‌توان به پروژه خانواده ایرانی اشاره کرد که نگاه تیزبینانه او را به تغییرات اجتماعی جامعه ایران در دوده‌ه اخیر نشان می‌دهد.

پیشنهاد فردا